

# پرواز به خانه پدری

مجموعه سه داستان:

پرواز به خانه پدری - آواره ی بیابانها - دمجنبانک

خسرو نظری ملومه (فاجعه)



انتشارات ملومه

۱۳۹۱

نظری ملومه ، خسرو ، ۱۳۴۹  
پرواز به خانه پدری ، مجموعه سه داستان ، پرواز به خانه پدری ، آواره بیابانها ، دمجنبانک ،  
خسرو نظری ملومه (فاخته)  
کرج . انتشارات ملومه . ۱۳۹۱  
ص ۷۸ . ۱۴/۵ \* ۲۱/۵ س م  
۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۲۸-۱-۶  
فیفا

عنوان دیگر: پرواز به خانه پدری . مجموعه داستان/  
داستانهای کوتاه فارسی - قرن ۱۴  
۱۳۹۱ پ ۲۷۷۷ ظ / ۸۲۵۳ PIR  
۸ فا ۳/۶۲  
۲۹۴۱۵۸۴



پرواز به خانه پدری (مجموعه داستان)  
خسرو نظری ملومه (فاخته)

انتشارات: ملومه

چاپ اول / ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۲۸-۱-۶

حروفچینی: علیرضا احمدیان

ویرایش: عقیل صمدبین

طرح جلد: محمود مهرابی

نظارت چاپ: روشن

چاپ و صحافی: پردیس دانش

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

مرکز پخش: ۰۹۱۲۵۶۶۸۹۶۴ - ۰۹۳۵۵۶۶۸۹۶۷ - ۰۹۱۹۸۱۷۷۶۳۹

تقدیم به پدر مهربانم ، مسلم نظری ملومه و معلم معرفت  
آقای محسن فریدفر که هیچگاه محبت خود را از من دریغ  
نکرده و نخواهد کرد و به من آموخت نباید در تنهایی امید خود  
را از دست داد ، چون انسان تنها پا به هستی این جهان بیکران  
نهادم ، پس باید تنها به خود و معرفتی که احراز نموده متکی  
باشد و بس.

## پیشگفتار

رازی است در پس گلبرگ های حیات که قلبی بینا طلب کند و از دیدن روزه ها چشمی گریان نماید ، تا صخره ها در نور دیده شود. و تاریخ به قضاوت بنشیند ، از درخت تمجید کند و از ساقه هایی بنالد که قفس ساخت بهر پرنده تا پرواز کردن را به فراموشی بسپارد.

## سخنی در باب ملومه

می دانید که یکی از معرفه های خطّه همیشه سبز گیلان ، پرنده ای است که بهر دیدار فصل بهار از سرزمین های دور قاره آفریقا به طرف گیلان پرواز می کند و در اواخر فصل تابستان دوباره به سوی آفریقا مهاجرت می نماید .

اما آنچه که از دوران کودکی به یادگار مانده ، نغمه های این پرنده در روستای ملومه از توابع سیاهکل بوده است. این روستا در نواحی کوهستانی اطراف دلمان واقع شده ، که از پوشش گیاهی متنوع و چشمه ساران خروشان برخوردار می باشد . به همین علت در فصول گرم پرندگان مهاجر زیادی را در دلمان خویش می پرورد.

آثار بدست آمده در کاوشهای باستان شناسی از روستای ملومه در گذر حیات نشان داده ، که این قریه از قدمت ما قبل تاریخی برخوردار است. شاید به دلیل غارهایی باشد که نظر مردمان نخستین را به خود جلب کرده بود .

از قبرستان های شناسایی شده زرتشتی آثار زیادی در طی حفاری به دست آمده است. اشیایی که قدمت بعضی از آنها به ماقبل تاریخ می رسد که فهرست وار در نقاط دیدنی این روستا ذکر می شود.

اما در مورد نام این روستا دو روایت مختلف ذکر شده است که بیان می‌گردد.

در فرهنگ لغات دکتر محمد معین چنین قید گردیده است که :  
« ملوم - ا . مف [ع] مَ لُ » ملامت شده ، سرزنش شده و از منظر این روایت به نظر می‌رسد که « ه » نشان دهنده مونث بوده، یعنی زنی که مورد ملامت واقع شده است .

افسانه ای که در مورد یکی از صخره های ملومه سینه به سینه منتقل شده ، مؤید این مطلب می باشد. مانند: « عروس تله » ، صخره ای که در قسمت جنوب غربی این روستا واقع شده است و بسان گزمه ای از روستا محافظت می کند ، این افسانه با کفیو همدرد و هم آوا بوده است. می دل پوره زرج پس ناله جا کن

میان کوه و دریا مَره گوماکن

گویند در روزگاران قدیم در روستای ملوم دختری بر خلاف انتظار پدر حرمت خانواده بریخت و با دلداده ی خویش پا به فرار گذاشت . زین سان پدر سر به آسمان بلند کرد و به درگاه مزدا شکوائیه نمود و طلب عذاب دختر را کرده و می گوید : « اهورامزدا سنگ سیاهش کن » بی درنگ دعا اجابت شده و تازه عروس دیار مُبدل به سنگ سیاه می گردد . از آن روزگاران به نام عروس تله در تاریخ فریه ملومه به یادگار مانده است و به قول دیگر از کوه عالم پرتاب کرده تا لکه ننگ برداشته شود. زین سبب این صخره به « عالم تله » معروف شد.

روایت دیگر در فرهنگ لغات مرحوم علی اکبر دهخدا قید شده که می نویسد : « معلوم یعنی محل مشخص شده » که روایت به این قرار بوده است که : پادشاهی دخت زیبا رویی داشت که فرجام یکی از یلان یا سربازان قریه او را به همسری تقبل کرد و برای اینکه نشانی از دختر کیان باشد ، گفتند قریه معلوم . اما به مرور زمان به اسم ملومه ماندگار شد . چه بجاست که قید نمایم قسمت جنوب غربی این قریه به اسم « نادر خانی » معروف است که بیشتر آثار بدست آمده در طی حفاری این منطقه بوده که عروس تله هم نزدیک آن واقع شده است .

از نقاط دیدنی این قریه که مورد علاقه و بازدید مهمانان قرار می گیرد ، صخره های آن است که عبارت اند از :

- ۱ . عروس تله ۲ . عالم تله ۳ . مگس تله ۴ . دال<sup>۱</sup> تله ۵ . مس تله
- ۶ . کوه عالم تله ۷ . دشت تله ۸ . بشکافته سنگ که از معروفیت خاصی بر خوردار بوده است ۹ . میرزاقا لیوکه (که محل مخفی فیودالایسم و آزادی خواه دیلمان) ۱۰ . اسد لیوکه (فئودال و آزادی خواه ملومه) ۱۱ . شل تلابونه ۱۲ . پیلاتلابون ۱۳ . یخچال ۱۴ . سلطانعلی لیوکه ۱۵ . کرکان تله .

نقاط تاریخی آن عبارت اند از :

- ۱ . غریبه گور ۲ . فین گورسر ۳ . فیل کوه ۴ . بهار ملکه ۵ - کهنه گاچان دشت ۶ - دوا زیمه ۷ - چال زیمی ۸ - برنج دی .

---

<sup>۱</sup> . عقاب ، عقاب سیاه .

مراعات معروف این روستا که دارای پروانه چرا هستند ، عبارت اند از :

۱ . اربودار گردن ۲.چهار محلسر ( ملاسر ) ۳. ایجگی ۴. خوشکوه (خلشکوه).

چشمه های معروف این روستا در بالا دست یا جورا:

۱. جور چشمه (چشمه بالا) ۲.چاک چشمه (چشمه میان مرتع یا علف زار)
۲. بور چشمه ۴.آقا چاکان چشمه ۵.لواس محله چشمه ۶.ناودار چشمه
- ۷.زنبور چشمه ۸.فین گورسر چشمه ۹.خانم چال چشمه ۱۰.آبخوران
- ۱۱.آبدره ۱۲.جوزیمه چشمه ۱۳.علی باغ چشمه ۱۴.گلّه چشمه ۱۵.تله پست چشمه ۱۶.جالریمی چشمه.

چشمه های پایین دست یا حیرا: ۱۷.کلبیرار سرده ۱۸.توساکشه چشمه ۱۹.سلسر ۲۰.طالب چاکسر چشمه ۲۱.برنج دی چشمه ۲۲.شورکاده چشمه ۲۳.تله سر چشمه ۲۴.توساخانه چشمه ۲۵.اوورتله سرچشمه و یک چشمه هم در وسط روستا که آب آن مخصوص حمام قدیمی بود. به نام فردا چشمه می باشد. در باور مردم این قریه دارای محوطه بسیار سنگین است و سبب بی وقتی یا جنّ زدگی می گردد. اگر با دیده باز به این نکته توجه شود. درختان سر به فلک کشیده گردو ، باعث جذب اکسیژن و پس دادن دی اکسیدکربن در شب می گردند. این چشمه در جوار راهی است بنام « سنگ پورده» یعنی پل سنگی که بالا محله را به پایین محله متصل کرده و مسیر عبورو مرور مردم است.

موارد ذکر شده از معروفیت خاصی برخوردارند. چون این روستا به علت کوهستانی بودن از چشمه های فصلی و کارستی زیادی برخوردار بوده که از ذکر اسامی دیگر خود داری می گردد.

از نظر بافت نوع متمرکز بوده و نسبت به روستا های دیلمانات از نظر وسعت بیشتر است. همسایگان ملومه عبارتند از:

در شمال تنگروود و میکال و خرم رود ، شمال غربی آسیا برک و بابا ولی ، از طرف شرق عین شیخ ، از طرف غرب لیه چاک، از طرف جنوب گیسل و تاریک دره ، جنوب غربی لور و گلاچ خانی ، در بعضی نقاط از چند روستا می گذری تا به زمین های کشاورزی این روستا برسی که معمولاً بیشتر در روستاهای جنوبی است.

اما بر می گردیم به پرنده ای که شاسنامه گیلان بوده و چه زیبا نغمه شیرین و دلنشین بسراید . پرنده ای که کاکل سبز و پره های سبزوش داشته و در کوهسارهای ملومه و در دشت های منطقه ی دیلمان نغمه پراکنی می کند. چه بر فراز شاخسارهای درخت گردو چه بر شاخه های درختچه های دیگر ..... .

او تنها نیست همسرانی هم دارد. هدهد ، چلّو . اما مهمانی هم می پذیرند و با او هم آوا می شوند . می دانید چیست؟ بلدرچین که از صحرای دور آفریقا با فرا رسیدن فصل بهار خود را به کوه ها و دشت های دیلمان می رساند و مردم این خطّه را به بزم خود دعوت می نماید.

شب و فانوس من بیتاب گردید  
اسیر زلف آن گرداب گردید  
مه و پروین مرا دیدند خزیدند  
به نور مه دلم غمخوار گردید  
بیا ای مهوش سر گشته ی من  
بیا ای دلبر آشفته ی من  
ترا در کوه نباید دل سپردن  
ترا در بحر دل افسرده دیدن  
چو تو لایق تر از دولاب هستی  
گون از اشک رویت کرده مستی  
غزال کوه و سیمایت خرامید  
فلک آوای بریایی به خود دید  
ترا دادار هستی دوست دارد  
ز فانوس شب توری بیارد  
ملومه تاج گیلانی فلک مست  
خدا نقش تو را با دست خود بست  
اگر بیمار گردد باغ و بوستان  
ز عطر کوی تو عالم گلستان  
بیارم سجده ای بر خاک پاکت  
که دلهای فراوان شد هلاکت  
ز کوه های بلندت مست مستم  
قسم بر چشمه سارت عهد بستم.